

Sunday, August 04, 2019
10:38 AM

معنا، گستره و ویژگی‌های سنت و حکمت خالده

از منظر سنت‌گرایان*

** سید حسین حسینی

چکیده

سنت‌گرایی به عنوان جریانی معاصر که در مقابل مدرنیسم قرار می‌گیرد، به وجود یک سنت زنده، پویا و ازلی معتقد است که هرگز از بین نمی‌رود و در قالب‌های گوناگونی متجلی می‌گردد که این معنای از سنت با سنت به معنای متعارف یعنی آداب و رسوم گذشته فرق بسیار دارد. آنچه ما در این نوشتار در پی آنیم، معانی، گستره، ویژگی و چیستی ماهیت سنت در ابعاد فکری سنت‌گرایان است. سنت‌گرایان به چهار معنای مهم و متفاوت برای سنت قائل‌اند که به تعبیر نصر این چهار معنا قابل فروکش به دو معنا می‌باشد؛ یعنی استمرار و مبدأ الهی داشتن می‌باشد و سنت به این معنا از ویژگی‌های منحصر به فردی برخوردار می‌باشد که به اعتقاد سنت‌گرایان دفاع و احیای این معنای از سنت در دنیای مدرن ضرورت دارد.

کلیدواژه‌ها: سنت‌گرایی، فلسفه جاویدان، حکمت فرا زمان ازلی، حکمت ثابته،

حکمت خالده.

* تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۰۸/۰۶ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۴/۱۰/۲۰

** کارشناسی ارشد فلسفه اسلامی، جامعه المصطفیٰ العالمیه - مشهد مقدس.

مقدمه

سابقه تاریخی سنت‌گرایی به یک اعتبار، به سابقه تاریخ بشری است؛ زیرا طبق ادعای خود سنت‌گرایان، ادعای اصلی آنها مجموعه حقایقی است که شمول تاریخی و جغرافیایی همه‌گیر دارد؛ یعنی همه انسان‌ها در همه مقاطع تاریخی و همه مناطق جغرافیایی بدان‌ها باور دارند و خواهند داشت. سنت‌گرایی به معنای گرایش آگاهانه به پاره‌ای از آرا و عقایدی که درست در برابر آرا و عقاید انسان متجدد قرار می‌گیرد، با رنه گنون عالم و حکیم فرانسوی، آناندا کوماراسوامی و فریتوف شواین هویت و موجودیت مستقلی یافت. جریان سنت‌گرایی افزون بر پنجاه نظریه‌پرداز و متفکر در سطوح مختلف دارد که از جمله آنها به افراد ذیل می‌توان اشاره کرد: تیتوس بورکهارت، هیوستون اسمیت، مارتین لینگز، لرد نرثورن، مارکو پالیس، فیلیپ شرارد، جیکوب نیدلمن، ویتال پری، ویلیام چیتیک، نینیان اسمارت، گرشوم شولم، دیوید امانوئل سینگ، اوا اورثمان، کوچیرو ناکامورا، راما کوماراسوامی، المیره زولا، ژیر دوران، ولفگانگ اشمیت، تئودور روژاک، کیت کریچلو و سید حسین نصر.

مدخل‌های متعددی برای شروع بحث پیرامون اندیشه سنت‌گرایان وجود دارد؛ اما بحث پیرامون چیستی سنت در منظومه و ابعاد فکری آنها، مناسب‌تر به نظر می‌رسد. از همین رو نوشتار حاضر می‌کوشد معنا و مفهوم، گستره و ویژگی‌های سنت را از منظر سنت‌گرایان بررسی کند. (جاویدان، ۱۳۸۲: ۲-۴)

۱. معناشناسی لغوی سنت

الف) سنت در زبان فارسی

لغت‌نویسان زبان فارسی در باب معنای واژه سنت به مواردی مانند رسم، آداب، میراث گذشته، اشاره دارند. گاه این واژه را توسعه داده و او را به سرحدات دین می‌کشاند و اموری مثل اوامر و نواهی الهی را معنا برای واژه سنت می‌دانند. گاهی هم سنت و سنتی را در برابر امور جدید و تازه استفاده می‌کنند. به‌عنوان مثال فرهنگ معین چنین می‌نویسد: «الف: راه، روش، سیرت؛ ب: آنچه پیامبر و صحابه به آن عمل کرده باشند». (فرهنگ فارسی معین، حرف سین) در لغت‌نامه دهخدا نیز برای سنت معنای زیر

را آورده است: «[سُنُّ نَ عَ] راه، روش، طریقه، قانون، آیین، رسم نهاد. جمع س سنن» (دهخدا، بی تا: حرف سین)

ب) سنت در زبان عربی

الف: از ماده سَنَ یَسِنُ به معنای دستوری را وضع کردن؛ ب: به معنای جاری کردن آب هم آمده (سنت الماء) آب را جاری ساختم. (جبران الرائد، بی تا: ۹۸۱)

شیخ‌الرئیس بوعلی سینا در کتاب‌الهیات شفا می‌نویسد: «از پیامبران و رهبران جوامع بشری به عنوان «سان»-به کسی گفته می‌شود که روش‌ها، شیوه‌ها و قوانین را در جامعه بنا کند- یاد می‌کند».

ج) سنت در زبان انگلیسی

واژه «tradition» از ریشه لاتینی «traditio» برگرفته شده که به معنای واگذاری «Handing over»، تحویل دادن «Handing down» و تراداد یا انتقال «Transmission» است. خود واژه «tradition» از کلمه لاتینی «trader» اشتقاق یافته که باز به همان معنا و تقریباً متناظر با واژه «paradosis» یونانی است که خود از کلمه «paradidomi» گرفته شده و به همان معناست.

بر طبق برخی از قاموس‌های لغت، لفظ «tradition» به دو معنای انتقال معطوف است:

- عمل تراداد یا انتقال باورها، آموزه‌ها، رسم‌ها، معیارهای اخلاقی، نگرش‌ها فرهنگی، فنون و قوانین از یک نسل به نسل دیگر که یا از طریق شفاهی انجام می‌شود یا از طریق عمل شخصی و عینی؛ یعنی از طریق الگوها و نمادها.
 - فرایندی که در طی باور آموزه‌ها و سایر مواردی که در بند پیشین گفته آمده، منتقل می‌گردد.
- بنابر آنچه ذکر شد، عنصر اصلی در معنای لغوی «tradition» مؤلفه انتقال است. این عنصر به ویژه در پاره‌ای از معانی فنی این واژه اهمیت بسیاری دارد و سنت‌گرایان بدان توجه ویژه نموده‌اند. (جاودان، ۱۳۹۲: ۱۷۵-۱۷۶)

۲. چیستی سنت

واژه سنت نقشی اساسی و محوری در گفتمان سنت‌گرایی دارد. با این همه، سنت حامل معانی متعددی می‌باشد؛ از جمله: میراث، اصل، عادت و رسوم، امور منسوخ در گذشته، مقطع زمانی پیشامدرن و خیلی از امور را با عنوان سنت و سنتی می‌شناسیم. به‌عنوان مثال می‌گوییم: خانه سنتی، آدم سنتی، لباس سنتی. در امور دینی، شیوه و روش پیامبر را و در مسائل اجتماعی، ارزش‌های اخلاقی را سنت‌ها می‌دانیم که اصولاً متمایز از سنت موردنظر متفکرانی همچون حسین نصر و دیگر سنت‌گرایان است که در معنای وسیع از مبدأ الهی جاری شده و خارج از محبس زمان و مکان، تجلیات گوناگونی نظیر ادیان، هنر و مانند آن یافته است و ذات قدسی از آن حیث که ذات قدسی است، مبدأ سنت است و به خونی می‌ماند که در شریان‌های سنت ساری و جاری است. (شهبازی، ۱۳۹۳: ۳۵ - ۳۶)

رنه گنون به این برداشت ساده از مفهوم سنت در اندیشه خود معترض است و می‌نویسد: «کار به جایی رسیده که عین همین واژه «سنت» را در عموم امور که اغلب فاقد معنا و مفهوم است، مثلاً در مورد عادات ساده بدون هیچ ارزش و وسعت که گاهی منشأ آن بسیار جدید هم هست، به کار برده‌اند.» (گنون، ۱۳۷۸: ۳۸)

وی در جای دیگر چنین بیان می‌کند: در عصر ما، معنای سنت مانند بسیاری از مفاهیم و کلمات از معانی حقیقی خود، آگاهانه یا ناآگاهانه منحرف شده است. (گنون، ۱۳۶۱: ۲۴۱) باید دانست، سنت در گفتمان سنت‌گرایی به معنای رسم، رسوم، عادت، اسلوب و الگوهای فکری موروثی یا هر آن چیزی که قبل از عصر مدرن تعلق دارد، نیست. (همان: ۲۴۴) به باور سنت‌گرایان، آنچه سنت خواند می‌شود معنا و مقصود بسیار دقیق‌تر از آن چیزی داراست که در افکار و اذهان عموم مردم رایج است؛ بلکه مقصود سنت الهی، ازلی و ابدی است که منشأ قدسی دارد و در تمامی مراتب وجود، ساری و جاری است. (خسرو پناه، ۱۳۸۹: ۲۱۴ نصر، ۱۳۸۵: ۲۵۹)

آناندا کوماراسوامی سنت را چنین تعریف می‌کند: «یک علت نخستین، به سبب آنکه خود، بی‌علت است، نه محتمل؛ بلکه اصل موضوعی است» که منظور وی از بی‌علت و نامشروط، خارج از قلمرو پدیدارهای حادث و گذرا است. (الدمو، ۱۳۸۹: ۱۵۲) یعنی ذات قدسی از آن حیث که ذات قدسی است، مبدأ «سنت» است. سنت حضور ذات قدسی در

تمام جهان را گسترش می‌دهد و تمدنی خلق می‌کند که حضور ذات قدسی در آن فراگیر می‌باشد.

به اعتقاد نصر، ذات قدسی مبدأ سنت است و چیزی که سنتی است از ذات قدسی جدایی‌ناپذیر است. کسی که درک از ذات قدسی ندارد، نمی‌تواند صرفاً منظر سنتی را درک کند و انسان سنتی هرگز از درک ذات قدسی جدا نشده است. نصر با ارائه چنین مفهومی قصد دارد، تمدن سنتی را متعالی و خالی از نقص معرفی کند، چرا که تمدن سنتی‌ای که تحت سیطره ذات قدسی باشد، هرگز اجازه ظهور شکاکیت و سکولاریسم را نخواهد داد و انسان، با معرفت به ذات قدسی می‌تواند تمدن سنتی را احیا کند. (آیینه اندیشه، ۱۳۸۵: ۱۶۵)

مارکو پالیس به عنوان یکی از برجسته‌ترین شارحان سنت‌گرایی، معنای سنت را این‌چنین تبیین می‌کند: «سنت در ذات خود بی‌صورت و فوق شخصی است و از این‌رو از هر تعریفی بر اساس معیارهای کلام و اندیشه بشری می‌گریزد». (الدمو، ۱۳۸۹: ۱۵۲)

به عبارت دیگر، سنت یعنی انتقال مؤثر اصول و مبادی با منشأ فرا بشری از طریق صورتی که با اعمال آن اصول بر نیازهای حادث و ممکن پدید می‌آیند. (همان: ۱۵۴)

پرواضح است که سنت در اینجا نمی‌تواند به معنای چیزی که مراعات کورکورانه آداب و رسوم باشد؛ ولو اینکه عرف زبان معمولی واژه سنت را به معنای مذکور محدود می‌کند. درحالی‌که سنت به یک معنای متعالی به کار رفته که معنای حقیقی آن است و هرگز سعی نشده است کلمه سنت به مجموعه‌ای از تصورات یا مفاهیم، یعنی یک نظام سازی فلسفی و مفهومی و تصویری و تصدیقی، محدود شود؛ زیرا سنت ذاتاً فاقد صورت است، یعنی فرم ندارد و بی‌رنگ است؛ ولی رنگ پیدا می‌کند. خودش فاقد صورت و فوق فردی است. (اعوانی، ۱۳۸۲: ۱۱) و بر چیزی فراتر از یک تداوم زمانی اشعار دارد که به هیچ‌وجه به جریان تاریخی نمی‌توان شبیه ساخت. برای درک صحیح این واژه در متن و سیاق سنت‌گرایی باید تداعی‌های منفی را از آن زدود.

سنت از نظر تیتوس بورکهارت، عادت و رسوم قدیم نیست؛ بلکه سنت به معنای آنچه از آسمان و از جانب خداوند به انسان رسیده است و درواقع مترادف با دین به معنای وسیع آن می‌باشد. (بورکهارت، ۱۳۷۲: ۶۶) لرد نورثورن در تعریف سنت می‌نویسد:

«سنت، در معنای درست کلمه، رشته‌ای است که تمدن را به وحی می‌پیوندد». (الدمو،

۱۳۸۹: ۱۴۹)

ویتال پری از پیروان وفادار فریتویف شواین، سنت را این‌گونه توصیف می‌کند:

«سنت تداوم وحی است. انتقال متصل اصول، علوم و قوانین جهان

شناختی و معنوی برآمده از دین و حیانی، از طریق نسل‌های بی‌شمار

است، در سنت و ترادیشن هیچ امری فرو گذاشته نشده است. از

پایه‌ریزی نظام‌های اجتماعی و موازین رفتار تا احکام و قواعدی که

به کنترل و تنظیم هنرها و طرح‌ها و نحوه تزئین و پوشیدن لباس

مربوط می‌شود. سنت دربردارنده علوم ریاضی، فیزیکی، پزشکی و

روان‌شناختی و افزون بر آن مشتمل بر علوم است که از حرکت‌های

فلکی گرفته می‌شوند. آنچه آن را کاملاً در مقابل علم مدرن ما که

اساساً نظامی بسته می‌باشد، قرار می‌دهد این است که سنت همه چیز

را به مراحل بالاتر هستی و درنهایت به اصول غایی که مسائلی کاملاً

ناشناخته برای بشر جدید هستند ارجاع می‌دهد» (شهبازی، ۱۳۹۳:

۳۶، لگن هاوسن، ۱۳۸۲: ۲۳۹)

سنت در منظومه فکری سید حسین نصر تنها یک اصطلاح نیست؛ بلکه اهتمام قلبی

و ایمان عقلانی است. وی بر این باور است که سنت هدیه‌ای از بارگاه الهی است.

معنایی که نصر از سنت ارائه می‌دهد با آنچه متعارف است، کاملاً تفاوت دارد.

برخی از محافل فکری سنت را به عادات، الگوهای موروثی و امور منسوخ و متروک

تعبیر می‌کنند. آنچه از نحوه تفکر این افراد نسبت به سنت به نظر می‌رسد، مرکب از

مجموعه باورهای مذهبی، فرهنگی، تاریخی، رسوم و آداب و نگرش‌های خاصی است که

شیوه زندگی در عصر حاضر را تشکیل می‌دهند و حداقل از قواعد روایی واحدی پیروی

می‌کنند. این شیوه به اعتقاد غیر سنت‌گرایان، نیندیشیده و ناآگاهانه است. به این معنا که

ساختار و اجزای سنت به عنوان وضعیتی از پیش فرض شده، پذیرفته می‌شوند؛ اما نصر

کندو کاوی دیگر در این اصطلاح دارد. سنتی که در منظومه فکری نصر قرار دارد،

عبارت است از: «سنت جاویدان، پایدار و آگاهانه است و چیزی جز سنت خداوندی یا به تعبیر قرآن «سنت الاولین» نیست. همان سنتی که تبدیل و صیرورت در آن راه ندارد و هرگز دورانش به سر نمی‌رسد و در همه ادوار حضور زنده دارد». (آیینه اندیشه ۱۳۸۵ ص ۱۸۴)

به باور نصر سنت حقایقی را آشکار می‌کند که دارای ماهیتی فراشخصی است که ریشه در ذات واقعیت بما هو واقعیت دارند. به عبارت دیگر سنت در آن واحد هم حقیقت است و حضور. نصر معتقد است که سنت، یک اسطوره‌شناسی کودکانه و منسوخ نیست؛ بلکه علمی است که بیش از اندازه واقعی است. (نصر، ۱۳۸۳: ۱۱۶) در نگاه سنت‌گرایان، این دانش «بیش از اندازه واقعی» معطوف به «علم قدسی» است که در گوهره سنت قرار دارد. (دین پرست، ۱۳۸۵: ۶۲) از این رو، مراد از سنت مجموعه اصولی است که از عالم بالا نازل شده و در اصل عبارت‌اند از یک نوع تجلی خاص ذات الهی، همراه با اطلاق و به‌کارگیری این اصول در مقاطع زمانی مختلف و در شرایط متفاوت برای یک جامعه بشری خاص است. (نصر، ۱۳۸۳: ۱۱۶)

دکتر نصر در توصیف سنت چنین می‌گوید:

«سنت در معنای فنی‌اش به معنای حقایق اصولی است دارای منشأ الهی که از طریق شخصیت‌های مختلفی معروف به رسولان، پیامبران، اوتاره‌ها^۱، لوگوس^۲، یا دیگر عوامل انتقال، برای آبنای بشر و در واقع برای یک بخش کامل کیهانی آشکار شده و نقاب از چهره آنها برگرفته شده است و این با پیامد و اطلاق و به‌کارگیری این اصول در حوزه‌های مختلف اعم از ساختار اجتماعی و حقوقی، هنر، رمزگرایی و علوم همراه است و البته معرفت متعالی، همراه با وسایطی برای تحصیل آن معرفت را نیز شامل می‌شود». (نصر، ۱۳۸۵: ۱۵۶)

¹ Avatars

² Logos

البته سنت به این معنا تنها درصدد بیان نوع نگرش انسان‌ها به زندگی نیست؛ بلکه قواعد رفتاری است که ابعاد مختلف مادی، اخلاقی، اجتماعی، معنوی و... پوشش می‌دهد. (شواین، ۱۳۸۳: ۱۶۷)

۳. دسته بندی معانی سنت

در یک دسته‌بندی کلی چهار معنا برای سنت متصور است:

الف) حکمت و حقیقت مطلق لازمان ازلی

ناب‌ترین و اصیل‌ترین معنای سنت است تا جایی که برای گنون به منزله معنای مهم و بنیادی مطرح که در آغاز زمان آشکار گشته است. (مهدوی، ۱۳۹۱: ۱۰۸، الدمو، ۱۳۸۹: ۱۵۲) سنت، در این معنا حقیقتی بدیهی و بی‌نیاز از استدلال است. به تعبیر کوماراسوامی اصل موضوعی است. (الدمو، ۱۳۸۹: ۱۵۲)

از دیدگاه سنت‌گرایی، این معنای سنت، اصل اولی و شرط ذاتی سنت‌گرایی است. هم‌معنا با فلسفه جاویدان است که فلسفه ابدی، کلی و تغییرناپذیر است. رنه گنون این حقیقت را به این‌گونه معرفی می‌کند:

«سنت به این معنا در کتاب‌های مقدس تمام مردم موجود است و در واقع در همه‌جا یکسان است اگرچه برای تطابق یافتن با هر نژاد و دوره‌ای صور بسیار متنوعی پذیرفته است». (راسخی، ۱۳۸۳: ۴۹)

از نظر سنت‌گرایان، بشر همواره و تا بدان جا که به یاد دارد، از این حقیقت که منشأ الهی دارد سخن گفته است. اعم از شرق، غرب، عرصه ادب و فلسفه و قلمرو دین، به زبان اسطوره، افسانه، رمز، نماد یا به زبان حکمت و دانش. از این‌رو تعبیر متعددی از این حکمت ازلی و فرازمانی وجود دارد. حکمت ازلی، حکمت نخستین، سنت نخستین، سنت ازلی، حکمت جاویدان، فلسفه جاویدان، دین حق، دین فطرت، سنتنه درمه، قانون جاودان حاکم بر همه اشیا، حکمت مقدس، عقل جاودان (جاودان، ۱۳۹۲: ۱۸۱-)

¹ - Santana dharma
² - Akalika Dharma
³ - Hagia Sophia

۱۸۲)، عقل غیر مخلوق - این اصطلاح را سنت آگوستین به کار برده است - و تائو^۱ تعبیر می‌شود.

همه این اصطلاحات و تعابیر از سنت، به این معنا که حقیقت نامخلوق، در حال و گذشته و آینده بوده و در پی بیان یک واقعیت است که در ظاهر متفاوت و در واقع به حکمتی فرازمانی، بدون صورت، جهان‌شمول که از هرگونه مفهوم‌سازی می‌گریزد، اشاره دارد (کدیور، ۱۳۸۴: ۲۰۵) تا آنجا که گنون چنین تعبیری دارد: «ما به سهم خود مطلقاً از اطلاق سنت بر هر امری که صرفاً خصلت بشری داشته باشد خودداری می‌کنیم».

(گنون، ۱۳۷۸: ۳۹)

اساساً تلاش برای ارائه تعریف از آن، نقش بر آب زدن است. فی‌المثل کریشنا و مسیح از یک حقیقت خبر می‌دهند؛ ولی بیانشان متفاوت است. روشن است که این اختلاف در گفتار، هیچ زبانی به وحدت منشأ نخواهد رساند. (مهدوی، منصور، ۱۳۹۱: ۱۰۹) بنابراین سنت در معنای نخست، ناظر به منشأ آسمانی خود، یعنی ناظر به حقیقت الوهی و مقام اطلاق و بی‌نام و نشان و فاقد صورت خویش است. سنت در این مقام، مرتبه و حقیقت وجودی و غیرقابل بیان به زبان عادی بشری است و فقط با زبان نمادین و رمزی می‌توان سخن از آن گفت. سنت در این معنا همان مبدأ الوهی است که وحی از تنزلات و تجلیات و از ظروف انتقال آن است. از همین جاست که می‌توان به معنای دوم از سنت پل زد.

ب) تجسم حکمت ازلی و ثابت در خلال زمان

محوریت در معنای دوم سنت، مفهوم انتقال است که از پیش مورد تأکید قرار گرفت؛ زیرا واژه «tradition» از حیث لغوی فقط معنای «آنچه منتقل شده است» را افاده می‌کند. (نصر، ۱۳۸۳: ۱۵۵) پس سنت ارتباط وثیقی با انتقال دارد و آنچه انتقال می‌یابد، باید دارای صورتی خاص باشد و تا زمانی که بدون صورت و فرا زمان و مکان است قابل انتقال نیست. سرّ این مطلب در این است که آن حقایق مطلق، چون به همان نحو که در ذات خود هستند قابل انتقال به صور و قوالب نیستند، در پدیده تجلی تنزل یافته و در هر جلوه‌ای جنبه‌ای از آنها انعکاس می‌یابد.

¹ - tao

به تعبیر شواین، جلوه از آن حیث که جلوه و انعکاس است، ممکن و مشروط است. برای نمونه اگر خورشید به عنوان نماد موردنظر باشد، از یک سو نشان دهنده یک محتواس که درخشندگی، گرمادهی، موقعیت مرکزی و سکون آن نسبت به سیاراتی است که گرداگردش حرکت می‌کنند؛ از سوی دیگر، خورشید نحوه‌ای تجلی دارد که ماده، چگالی و محدودیت فضایی آن است. (شواین، ۱۳۷۷: ۱۳۵) این در حالی است که حقایق مطلق هیچ‌گونه محدودیت و مشروطیتی ندارد؛ بنابراین ضرورتاً با نزول حکمت ازلی و حقیقت الوهی به عالم پایین در قالب چیزی به تصویر کشیده می‌شود که مردمان این عالم مأنوس با آن است که عبارت است از مناسک، شمایل‌ها، اسطوره‌ها، تعالیم و دیگر مظاهر تمدن‌های بدوی و دینی گوناگون که ترجمان و نمود پیدا می‌کنند. حقیقت به خودی خود بی‌صورت است و بنابراین فی‌نفسه نمی‌تواند در قالب صور ابلاغ گردد. (الدمدو، ۱۳۸۹: ۱۵۳) سنت به این معنا جزئی، متعین و دارای صورت است و جلوه‌هایی است از جنبه‌های حقیقت مطلق یعنی سنت به معنای نخست.

در مقام تشبیه می‌توان سنت به معنای نخست را به بارانی تشبیه کرد که در هر لحظه می‌تواند از آسمان نازل شود و سنت به معنای دوم را به نهری که از یک چشمه جاری می‌شود. به این ترتیب، سنت دارای دو مرتبه طولی و عرضی می‌باشد. (کدیور، ۱۳۸۴: ۲۰۶)

مارکوپالیس راجع به معنای دوم سنت چنین بیان می‌کند: «سنت ارتباط علی اصولی فوق بشری است که با به کار بستن آن اصول در مسائل جدید صورت‌ها شکل گرفته و رشد می‌نماید». (همان: ۲۰۷)

لازم به ذکر است که اگرچه سنت به معنای دوم نوعی استمرار در خلال تاریخ است و دست‌خوش تغییر و تبدل قرار می‌گیرد، اما این تغییر و تبدل فقط جنبه صوری و ظاهری دارد و در روند استمرار تاریخی خود همواره متصل به سنت ازلی و ثابت می‌باشد. گنون این نکته را چنین بیان می‌کند: «سنت دریافت‌های کور عادت یا یک استمرار موقت نیست و نمی‌تواند عنصر مافوق بشری نباشد؛ زیرا امور صرفاً بشری را نمی‌توان در زمره سنتی شمرد». (همان: ۲۰۷)

ج) خود فرایند پویای انتقال

از ویژگی‌های مهم سنت این است که توان دلالت کردن بر خود فرایند زنده انتقال سنت را هم دارد؛ یعنی سنت‌گرایان، به جریان پویای انتقال سنت، هم سنت می‌گویند. (الدمدو، ۱۳۸۹: ۱۵۳، مهدوی، ۱۳۹۱: ۱۱۵) فرایند زنده انتقال سنت، شامل جریانی می‌شود که از مبدأ سنت- سنت به معنای نخست- آغاز می‌گردد و سلسله انتقال سنت، صور گوناگون سنت، طرق و مجاری مختلف انتقال آن را در بر می‌گیرد. اگر کسی بخواهد به جریان پویای سنت متصل شود، تنها با یکی از آنها می‌تواند ارتباط یابد، نه با تمام آنها، چراکه سلسله‌ها و مجاری سنت، فراوان است. کارآمدی و اثربخشی وحی و سنت در زندگی فردی و اجتماعی انسان نیز حاصل همین روند است؛ وگرنه سنت به قوانین، آداب و رسوم بی‌روح تبدیل خواهد شد که در این صورت دیگر نمی‌تواند اسباب تعالی انسان را فراهم سازد. (جاودان، ۱۳۹۲: ۱۸۷-۱۸۸، مهدوی، ۱۳۹۱: ۱۱۵)

فرایند انتقال سنت، تکیه‌گاه مطمئن سنت است. عاملی که اگر نباشد، پویایی و پایایی سنت به گونه کامل متزلزل می‌شود؛ بلکه تا حدی تحقق و شکل‌گیری خود سنت هم در کلام سنت‌گرایان به همین امر وابسته است. (مهدوی، ۱۳۹۱: ۱۱۵)

بعضی‌ها معتقدند «این طریق تأیید/ تصدیق (زنده) است که سنت دریافت شده را به واقعیت زنده تبدیل می‌کند و این آن عنصری است که بدون آن، سنت، چیزی بیش از یک کالبد تهی، یک ایدئولوژی یا مجموعه‌ای از قراردادهای اجتماعی نخواهد بود». (جاودان، ۱۳۹۲: ۱۸۸ و مهدوی، ۱۳۹۱: ۱۱۵) دکتر نصر چنین بیان می‌کند: «راه و روشی برای تأیید است که وقتی از سر ایمان و اخلاص پیروی گردد انسان را به موقعیت‌های پی‌درپی رهنمون می‌سازد که در آن موقعیت‌ها می‌توان حقایقی را که وحی منتقل می‌کند، تحقق بخشید». (جاودان، ۱۳۹۲: ۱۸۸ و مهدوی، ۱۳۹۱: ۱۱۵)

همین فرایند انتقال سنت اولاً؛ به خوبی سنت دینی و سنت موردنظر سنت‌گرایان را از هر سنت دیگری ممتاز می‌گرداند؛ زیرا در سنت‌های عرفی و غیرآزان انتقال زنده سنت مدنظر نیست. ثانیاً؛ این ابزار، شیوه کارآمدی برای انتقال معنویت به آحاد انسان‌ها و درونی نمودن آن است.

آنچه یک سنت دینی را از هر نوع سنت دیگر متمایز می‌نماید، دقیقاً همین عنصر تحقق شخصی است که به انتقال درونی منتهی می‌گردد و ثمره آن نجات یا رستگاری

۱۳۵

منا. گستره و ویژگی‌های سنت و حکمت خالده از منظر سنت‌گرایان / سید حسین حسینی

در آخرت است. رستگاری که از طریق محقق شدن به حقایق معنوی به همین دنیا نیز مورد انتظار می‌تواند باشد. پایداری در انجام تکالیف یک سنت و حیانی تا آنجا که آن سنت طریق یک واقعیت معنوی است، مستلزم انطباق و هم‌نوایی با آن است. (جاودان، ۱۳۹۲: ۱۸۸)

به نظر می‌رسد که انتقال سنت در طول سلسله و فرایند حضوری و مستقیم، از نسلی به نسلی دیگر سبب تجدید حیات آن گردد. به‌عنوان مثال سنتی که از استاد به شاگرد منتقل می‌گردد، شاگرد آن را نه به عنوانی امری مربوط به گذشته و میراثی از اسلاف، بلکه به عنوان رهاوردی تازه دریافت می‌کند و گویی او خود، مهبط است و حقیقت مضمون در سنت و حقیقت قدسی و وحیانی را دریافت می‌کند. چنانچه گفته شده تلاوت کننده قرآن باید آن را به‌گونه‌ای تلاوت کند که گویی در همان لحظه قرآن به او وحی گردیده و خداوند با او بی‌واسطه سخن می‌گوید.

فرد دریافت‌کننده سنت، با تغییر درون خویش، از طریق هم‌نوا شدن با سنت یعنی از طریق پیروی آنچه سنت از او مطالبه می‌کند، سنت را درونی می‌سازد. این است که سنت، یک رسم صرف، عادت یا قانون حقوقی و اجتماعی نیست؛ بلکه کانون تحول درونی و متحقق شدن به حقایقی است که متعالی، وحیانی و غیر بشری است. چنین است که سنت همواره زنده و پویاست. (همان: ۱۸۸)

د) مجرای انتقال سنت

سنت در آخرین مرحله معنایی خود بر مجرا یا بستر انتقال نیز دلالت دارد. (الدمدو، ۱۳۸۹: ۱۵۳، مهدوی، ۱۳۹۱: ۱۱۶) مراد از سنت در اینجا طریق و سلسله خاص انتقال سنت است؛ بلکه برای انتقال و دریافت سنت، سلسله‌ها و مجاری متعددی در طول تاریخ یک سنت خاص شکل می‌گیرد. این طرق و مجاری مختلف، زمینه انتقال سنت را برای نسل بعدی فراهم می‌آورد و مجازاً می‌توان به این معنا «ابزار انتقال» هم نامید. (جاودان، ۱۳۹۲: ۱۸۹، مهدوی، ۱۳۹۱: ۱۱۶)

هر سنتی در طول تاریخ از طرق و مجاری متعددی به نسل بعد منتقل می‌شود. تعدد و کثرت این ابزار تا حدی طبیعی به نظر می‌رسد، زیرا:

اولاً: هر وحی و دینی - به عنوان منشأ دینی - دارای ابعاد مختلف فردی، اجتماعی، فقهی، ظاهری، باطنی و غیره است. بنابراین در روند تبدیل آن وحی و دین به سنت، سنت‌های مختلف متناسب با ابعاد مختلف آن دین پدید می‌آید. به علاوه، ابعاد مختلف فرهنگی مثل ادبیات، هنر و معماری نیز که در پرتو ابتکار انسانی، در خدمت دین و وحی خاص قرار می‌گیرند و به نوبه خود، سنت‌های ادبی، هنری و معماری خاصی را رقم می‌زنند.

ثانیاً: از آنجا که در هر دینی افراد متعدد با مهبط و کسی که در رأس قرار دارد، در ارتباط بودند و هر کدام در انتقال سنت‌های آن دین به نسل‌های بعد نقش داشته‌اند، خود این امر، سبب پدید آمدن طرق فراوان و مختلف برای انتقال آن سنت‌ها و اتصال به مبدأ آن گردیده‌اند.

ثالثاً: امور دیگری از قبیل اختلاف برداشت‌ها و تفسیرها، اختلاف روش‌ها، طبایع و سلیق سبب پدید آمدن سنت‌های مختلف درباره یک دین و وحی خاص می‌گردد. این امر، موجب پدید آمدن طرق و کانال‌های گوناگون انتقال سنت گردیده است. (جاودان، ۱۳۹۲: ۱۸۹)

در آثار سنت‌گرایان سنت به معنای اول به صورت «Tradition» با T بزرگ نوشته می‌شود و سنت، به معنای دوم، سوم و چهارم یعنی تجسم صوری و ظاهری حقیقت ازلی در لباس اسطوره‌ای و دینی خاص، حاملان انتقال این تجسم صوری و ظاهری یعنی خود معلمان و مربیان و خود فرایند این انتقال یعنی تعلیم و تربیت سنتی به صورت «tradition» با t کوچک به کار می‌برند. سنت به معنای اول یکی بیش نیست؛ ولی سنت در معنای دوم، سوم و چهارم بیش از یکی می‌باشد (راسخی، ۱۳۸۳: ۴۹)

در دوران جدید که به تعبیر سنت‌گرایان، معنای سنت فراموش شده و بشر وارد عصر ظلمت گردید است، احیای این معنای از سنت به عنوان توانی کیهانی ضرورت یافته است؛ زیرا هر بی‌قاعدگی باید با بی‌قاعدگی دیگر پاسخ داده شود. (کدیور، ۱۳۸۴: ۲۰۲) دکتر نصر از جمله احیای‌گران کامیاب سنت‌گرایی، از واژه سنت، در منظومه فکری سنت‌گرایان معنایی دقیق، عرضه می‌دارد.

سنت در نظر سنت‌گرایان ارکان چهارگانه‌ای دارد که در صورت وجود آن ارکان می‌توان امری را سنت قلمداد نمود. نصر این ارکان اربعه را به دو رکن «منشأ الهی

داشتن» و «استمرار» فروکاسته و آن را تبیین می‌کند. از دیدگاه وی علت این ابهام و تشویش ارائه تعریفی دقیق از مفهوم سنت است که قبل از دوران مدرن، اصطلاحی که دقیقاً با «tradition» هماهنگ باشد، استفاده نمی‌شده است. (اطهری، ۱۳۹۲: ۲۶)

سنت‌گرایان دوران پیشاتجدد را «عصر سنت» می‌نامند. دورانی که بشر از نعمت معرفت و پیوند با معنویت بهره‌مند بود و در محیطی سنتی تنفس می‌کرد و بی‌خبر بود از آنچه سنت‌گرایان به نام سنت می‌شناسد، یا به تعبیری چون «وحی»، «حکمت» و «امر قدسی» یاد می‌کرد. به تعبیر دکتر نصر، انسان‌های آن دوره، مانند ماهیانی بودند که در دریا شنا می‌کردن. غرق در دریا، ولی غافل از آب. دلیل این غفلت، عادت به آسایشی فراگیری بود که هیچ امر پریشان‌کننده‌ای، آن را بر هم نمی‌زد. انسان در میان باورها و محیطی منسجم با آنها به سر می‌برد، بدون آنکه حتی در ذهن خود هم تصور کند که روزی ممکن است این وضعیت را از دست بدهد؛ اما به محض زدودن سنت یا امر قدسی از حیات بشر، سنت معنا یافت و برخی وظیفه تجدید آن را به عهده گرفت. (کدیور، ۱۳۸۴: ۲۰۲) در واقع انسان پیش از دوران مدرن، آن‌چنان تحت تأثیر سنت بوده که اساساً نیازی در جعل و تعریف این اصطلاح نداشت.

۴. ویژگی‌های کلی سنت از منظر سنت‌گرایان

اکنون پس از روشن شدن واژه سنت، از حیث تعریف به ویژگی‌های کلی آن می‌پردازیم.

الف) استمرار

سنت، امری مستمر و زمانمند و مرتبط با مکان و جغرافیای خاصی می‌باشد. به‌عنوان مثال، موسیقی سنتی وجود دارد که مختص به یک سرزمین کشور است و ممکن است در هر عصر و زمانی از رنگ و بوی خاصی برخوردار باشد. پس مکان و جغرافیا در شکل‌گیری معنای سنت نقش اساسی ایفا می‌کند. این معنای سنت که بسته به زمان و مکان خاصی می‌باشد، در نظر سنت‌گرایان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد.

ب) جمعی بودن

از معنای سنت چنین به دست می‌آید که ثبات و پایداری سنت متوقف بر اجتماع است نه فرد؛ زیرا با حرمت نهادن جامعه به سنت، سنت پدیدار و مداوم می‌گردد.

ج) هویت بخشی

اگر سنت امری مربوط به اجتماع است - که البته چنین است - آنگاه در نقش امتیازبخش عنصر هویت‌بخش آن اجتماع، ظاهر خواهد شد. ما به عنوان جامعه خاص تا حدی زیاد به مدد تمایزها و تفاوت‌ها خود را با جامعه‌ای با هویت خاص یافته، آن را متمایز از جوامع دیگر می‌بینیم. پس یک جامعه به سنت‌هایش از جوامع دیگر ممتاز می‌گردد و در آنها هویت‌بخش را می‌یابد.

د) معنا بخشی

از آنجا که سنت، نقش هویت بخشی به جامعه را داراست، نقش معنا بخشی را نیز در آن اجتماع خواهد داشت. آحاد جامعه، زندگی خویش را در دنبال کردن سنت‌های جامعه خود معنادار خواهند یافت. هم آحاد جامعه، رفتارها و افعال خود را در پرتو سنت معنادار می‌یابند و هم دیگران، در نقش ناظر بیرونی، معنای رفتار و کردار یک جامعه را با عطف توجه به سنت‌های آن جامعه می‌فهمند.

ه) اعم بودن نسبت به دین

سنت لزوماً دینی نیست. اگرچه در جوامع سنتی، بسیار از سنت‌ها یا دینی‌اند یا ریشه در باورهای دینی دارند، برخی از آنها ممکن است غیردینی و حتی از نظرگاه دینی ناپسند به شمار آیند. به‌عنوان مثال در دنیای امروزی از سنت‌های ضد دینی مانند سنت مارکسیستی یا کمونیستی می‌توان سخن گفت.

و) سیر طولی

اگر سنت داری استمرار است - که البته چنین است - در این صورت، با انتقال از یک نسل به نسل دیگر در طول زمان ملازم خواهد بود؛ زیرا سنت بدون انتقال از میان خواهد رفت. (جاودان، ۱۳۹۲: ۱۷۹-۱۸۰)

آنچه سنت‌گرایان سخت‌بدان می‌اندیشند، فواید و ثمرات سنت است. به ویژه که در دنیای مدرن مورد تهدید قرار گرفته است. سنت به معنایی که در نظر سنت‌گرایان است، رو در روی تجدد قرار می‌گیرد: «چیزی که از عالم متجدد مورد انتقاد سنت است، کل جهان‌بینی، مقدمات، مبانی و اصولی است که از نظرگاه سنت کاذب است» (نصر، ۱۳۸۳: ۱۸۲)

بنابراین سنت‌گرایی، آرمانی است که با سنتی زیستن متفاوت است و موضعی بیرونی نسبت به خود سنت محسوب می‌شود. سنت‌گرایان معتقدند که انسان‌ها، از حیث انسان بودن، ذاتاً از ویژگی‌های منحصر به فرد برخوردارند که راه وصول به حقیقت مطلق را می‌توانند دریافت کنند. کار ویژه سنت در نظر سنت‌گرایان خاطره‌ای نوستالژیک است که از آن به عنوان امر قدسی و پاک کننده یاد می‌کنند. این مورد نیز قابل توجه است که سنت‌گرایان سنت را درگیر با شکل‌هایی از مراسم و آیین‌های رفتاری و اسطوره‌ای نمی‌دانند. بلکه اینان، سنت را امری پویا تصور می‌کنند که سمت دهنده رفتار جمعی بشر است. (دین پرست، ۱۳۸۵: ۶۲) در دنیای مدرن این معنای از سنت از میان جامعه به دست فراموشی سپرده شده و تمام سنت‌گرایان تمام‌قد تلاش می‌کنند که سنت به این معنا را در جامعه، خصوصاً در جامعه‌ای که نظام‌های فلسفی ضد دینی شکل گرفته، احیا کنند.

نتیجه

اینک با دریافت کلی از خاستگاه فکری سنت‌گرایان و ارتباط آن با سنت که ابزار لازم را برای کسب خرد جاویدان در اختیار می‌نهد به این نتیجه می‌رسیم که سنت، به‌کارگیری اصولی است که از عالم بالا وضع شده یا می‌توان گفت که سنت، تحقق آسمان در زمین است. قریب به اتفاق سنت‌گرایان سنت به این معنا را مساوی با دین می‌دانند و معتقدند که سنت مقوله‌ای فرازمانی، فوق فردی و جاودان است، چراکه جوهر متافیزیکی و درنهایت سرشت و جنبه الهی دارد تا آنجا که گنون چنین تعبیری دارد: «ما به سهم خود مطلقاً از اطلاق سنت بر هر امری که صرفاً خصلت بشری داشته باشد خودداری می‌کنیم». سنت به این معنا در پی بیان یک واقعیت است که در ظاهر متفاوت

و درواقع به حکمتی فرازمانی، بدون صورت، جهان‌شمول که از هرگونه مفهوم‌سازی می‌گریزد، اشاره دارد.

سنت حضور ذات قدسی در تمام جهان را گسترش می‌دهد و تمدنی خلق می‌کند که حضور ذات قدسی در آن فراگیر می‌باشد. از دل این سنت، سنت زمانمند؛ یعنی مجموعه‌ای از رفتارها و قواعدی با منشأ بشری، چه فردی، چه جمعی، چه طبقاتی یا سیاسی که در مصاف با مدرنیسم قرار می‌گیرد، پدید می‌آید. سنت به این معنا جزئی و متعین است و در قالب اموری که برای مردمان این عالم مانوس است ترجمان می‌یابد و ابعاد مختلف مادی، اخلاقی، اجتماعی، معنوی و... را پوشش می‌دهد.

به اعتقاد سنت‌گرایان ذات قدسی مبدأ سنت است و میان این دو رابطه گسست‌ناپذیر حاکم است؛ یعنی کسی که درک از ذات قدسی ندارد، فاقد درک سنت است. در نتیجه تمدن سنتی متعالی و خالی از نقص است. بدون معرفت ذات قدسی احیای حکومت سنتی امکان‌پذیر نخواهد بود. مراد از سنت در منظومه فکری سنت‌گرایان، سنت به معنای نخست، یعنی حکمت ثابته فرازمانی و مکانی می‌باشد و برای عموم سنت‌گرایان، بعد از انفصال جامعه بشریت از فضای سنتی و ورود به عصر ظلمت و تاریکی، احیای این معنای از سنت به عنوان توانی کیهانی ضرورت یافته است.

۱۴۱

معنا، گستره و ویژگی‌های سنت و حکمت خالده از منظر سنت‌گرایان / سید حسین حسینی

منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- اطهری، سید حسین (۱۳۹۲) و مرتضی منشادی، *چیستی سنت‌گرایی با تکیه بر آرای سید حسین نصر*، آینه معرفت، سال ۱۲، شماره ۳۶، تهران.
- اعوانی، غلامرضا (۱۳۸۲)، *در معنای سنت*، مجموعه مقالات سنت‌گرایان معاصر چاپ شده در خرد جاویدان، دانشگاه تهران، تهران.
- آیین اندیشه (۱۳۸۵)، معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی قم، شماره ۶.
- بورکهارت، تیتوس (۱۳۷۲)، *ارزش‌های جاویدان هنر اسلامی*، ترجمه سید حسین نصر، در مجموعه مقالات هنر معنوی، دفتر مطالعات دینی هنر، تهران.
- جاودان، محمد (۱۳۹۲)، *تحلیل و بررسی اصطلاح سنت در نظر سنت‌گرایان*، فصلنامه علمی - پژوهشی اندیشه نوین دینی، شماره ۲۳.
- خرد جاویدان (۱۳۸۲)، *مجموعه مقالات از دیدگاه سنت‌گرایان معاصر*، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران.
- خسرو پناه، عبدالحسین (۱۳۸۹)، *جریان شناسی فکری ایران معاصر*، مؤسسه حکمت نوین اسلامی، قم.
- الدمدو، کنت (۱۳۸۹)، *سنت‌گرایی در پرتو فلسفه جاویدان*، ترجمه رضا کورنگ بهشتی، ج ۱ نشر حکمت، تهران.
- دهخدا، علی‌اکبر (بی‌تا)، *لغت‌نامه دهخدا*، ج ۱، مؤسسه لغت‌نامه دهخدا، تهران.
- دین پرست، منوچهر (۱۳۸۵)، *علم سنتی و دینی از دیدگاه دکتر نصر*، فصلنامه علمی - پژوهشی ذهن، شماره ۲۶.

- راسخی، فروزان (۱۳۸۳)، *نقد سنت بر سنت‌نماها*، فصلنامه اندیشه دینی، دانشگاه شیراز، شماره ۱۳.
- شواین، فریتیوف (۱۳۷۷)، *زیبایی‌شناسی و رمزپردازی در هنر و طبیعت*، ترجمه آزاد، نقد و نظر شماره ۳ و ۴، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم.
- شواین، فریتیوف (۱۳۸۳)، *اسلام و حکمت خالده*، ترجمه فرزاد راسخی، ج ۱، نشر هرمس، تهران.
- شهبازی، عبدالله (۱۳۹۳)، *مریمیه از فریتیوف شوان تا سید حسین نصر*، ج ۱، تپسا، تهران.
- کدیور، محسن (۱۳۸۴) و طیبه کرمی، «*معنای سنت از دیدگاه سنت‌گرایان*»، مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۷۷.
- گنون، رنه (۱۳۷۸)، *بحران دنیای متجدد*، ترجمه ضیا الدین دهشیری، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- (۱۳۸۴)، *سیطره کمیت و علانم آخرالزمان*، ترجمه علی محمد کاردان، ج ۳، نشر مرکز دانشگاهی، تهران.
- لگن هاوسن، محمد (۱۳۸۲)، *چرا سنت‌گرا نیستیم*، ترجمه منصور نصیری، در مجموعه مقالات نقد تجدد از دیدگاه سنت‌گرایان معاصر، دانشگاه تهران، تهران.
- مهدوی، منصور (۱۳۹۱)، *سنجش سنت*، ج ۱، نشر اشراق حکمت، تهران.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۳)، *اسلام و تنگناهای دنیای متجدد*، ترجمه انشالله رحمتی، ج ۱، نشر سهروردی، تهران.
- (۱۳۸۵)، *در جستجوی امر مقدس*، ترجمه سید مصطفی شهر آیینی، ج ۱، نشر نی، تهران.

—(۱۳۸۵)، معرفت و معنویت، ترجمه انشاءالله رحمتی، نشر

سهروردی، تهران.

۱۴۴

نو فصلنامه تخصصی مطالعات فلسفی کلامی / سال پنجم / شماره نهم / بهار و تابستان ۱۳۹۰